

تحلیل اثر نظام انتخاباتی بر عملکرد و جهت‌گیری نمایندگان مجلس شورای اسلامی

محسن اورکی کوه‌شور*
محمد رضا مایلی**



چکیده

در سال‌های اخیر، به‌ویژه از مجلس پنجم شورای اسلامی به بعد، بحث تغییر سیستم انتخابات، به‌ویژه انتخابات مجلس و تغییر نظام فعلی انتخابات به نظام استانی برای کارآمدتر کردن قوه مقننه مطرح است. به‌دلیل اهمیت موضوع و تأثیری که قوانین و نظام‌های انتخاباتی متفاوت بر پایداری نظام سیاسی و همچنین، بر جهت‌گیری نمایندگان دارند، این پژوهش در پی بررسی آثار و

* (نویسنده مسئول) دانشجوی دکترای تخصصی علوم سیاسی، سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (mohsen_orake@yahoo.com)

** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (mr_mayeli42@yahoo.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۸

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۶، صص ۲۳۴-۲۰۳

پیامدهای قوانین و شیوه‌های مختلف انتخابات، از جمله نظام کنونی و نشان دادن نشان دادن توجه بیشتر نمایندگان به مسائل محلی و حوزه انتخابیه خود به جای توجه به مسائل کلان و ملی است؛ در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی و برگرفتن گزاره‌های اصلی و دال‌های مرکزی مذاکرات نمایندگان دوره‌های مختلف، این موضوع بازنمایی خواهد شد.

واژگان کلیدی: مجلس شورای اسلامی، انواع نظام‌های انتخاباتی، نظام انتخاباتی کنونی، کارآمدی مجلس، مسائل ملی، مسائل محلی



مقدمه

از زمان وقوع انقلاب مشروطیت به بعد، داشتن مجلس برای مشارکت مردم و گروه‌های اجتماعی و قومی در مناسبات و تقسیم قدرت، اهمیت زیادی یافت. در مقطع انقلاب مشروطیت، گروهی از مجتهدان و روحانیون بزرگ دیگر به‌همراه روشنفکران و طبقه بورژوازی تجاری، به پیروی از خواست ملت برای رفع ظلم و بی‌عدالتی با سلاح دین (به این سبب که مبانی و اصول مشروطیت را با اصل عدالت و مساوات در اسلام سازگار می‌دانستند)، با استبداد فردی شاه قاجار و اشراف حاکم به‌مبارزه برخاستند (شجیعی، ۱۳۸۳: ۱۸). پس از انقلاب مشروطیت، در دوره نخست مجلس که هنوز شعله‌های انقلاب فروزان بود، انتخابات، جنبه طبقاتی داشت و بسیاری از نمایندگان دوره اول و دوم، مظهر واقعی طبقات و گروه‌هایی بودند که در ایجاد مشروطه سهمی اساسی داشتند. در دوره اول، بیش از ۴۰ درصد از نمایندگان از تجار و اصناف بودند، و در دوره دوم، این نسبت به ۹ درصد کاهش یافت و برعکس، ملاکان از ۲۱ درصد به ۳۰ درصد رسیدند و از آن پس، تعدادشان همچنان افزایش یافت، به‌گونه‌ای که از دوره ششم تا دوره بیستم، حدود ۵۰ درصد نمایندگان را ملاکان تشکیل می‌دادند. مطالعه وضع شخصی و اجتماعی وکلای دور دوم، به‌خوبی نشان می‌دهد که ملاکان، به‌محض اینکه از حالت غافلگیری دوره اول مشروطیت خارج شدند، در دوره دوم، نیروهای خود را وارد مجلس کردند، و از دوره سوم، وضع خود را به‌خوبی با وضع جدید منطبق کردند و از آن پس، به‌طور مستقیم و شخصی وارد مجلس شدند، زیرا در مجلس اول، انتخابات جنبه طبقاتی داشت، ولی پس از آن، قانون انتخابات به‌گونه‌ای تنظیم شد که درعمل، ملاکان مقام نخست را به‌دست آوردند. درواقع، باید گفت دموکراسی، که بعضی آن را حکومت

عدد خوانده‌اند، هنگامی که بدون مفهوم و معنای واقعی که در جامعه غربی وجود دارد، وارد یک کشور غیرصنعتی می‌شود به وسیله‌ای تبدیل می‌شود که تنها افراد دارای گروه متشکل از آن بهره می‌برند و به‌نوعی شایسته‌سالاری، قربانی علایق و مناسبات قومی و طایفه‌ای می‌شود و جای نظام انتخاباتی با دایره وسیع‌تر را می‌گیرد (شجیعی، ۱۳۸۳: ۲۰).

در حوزه حقوق اساسی و جامعه‌شناسی، نظام‌های انتخاباتی گوناگونی وجود دارند که اجرای هر یک از آن‌ها، بر سرنوشت انتخابات، احزاب سیاسی، و نظام سیاسی تأثیر خواهد گذاشت. جامعه برای تحقق حقوق اساسی، نیازمند دولت به مفهوم عام است. دولت به مفهوم عام، یا نهادهای سیاسی به مفهوم خاص آن که در قالب قوه مقننه، قوه مجریه، و قوه قضائیه تبلور می‌یابند، کارکرد و وظیفه تحقق‌بخشی به حقوق اساسی را به‌عهده دارد. امیل دورکیم، دولت را دارای صفت تأسیسی می‌داند که انسان برحسب نیازهای اجتماعی‌اش به‌وجود می‌آورد. وی نهادها را عبارت از اندیشه‌ها، باورها، رسوم، عادات، و کارکردهای اجتماعی می‌داند که فرد خود را ناگزیر در برابر آن‌ها می‌یابد و باید در برابر تمام یا بخشی از آن تمکین کند (قاضی، ۱۳۹۳: ۳۸-۳۷).

اگر نظام انتخاباتی را یک متغیر مستقل در نظر بگیریم، نوع متغیر وابسته‌ای که از آن تأثیر می‌پذیرد، تعریف ما را متفاوت خواهد کرد. چگونگی و شکل نظام انتخاباتی، بر نظام حزبی و سیاسی تأثیر می‌گذارد. چگونگی نظام انتخاباتی می‌تواند بر گزینش افراد اثرگذار باشد و کاربرد گونه‌ی ویژه‌ای از نظام انتخاباتی، آرایش ویژه‌ای به نیروهای سیاسی خواهد داد که این آرایش جدید، مناسبات فردی و اجتماعی را در مقیاس ملی و محلی متأثر خواهد کرد (ایوبی، ۱۳۷۷: ۳۸).

۱. چارچوب نظری

۱-۱. مجلس و نظام‌های انتخاباتی

نقش مجلس یا پارلمان در پایداری و ثبات نظام سیاسی و تضمین حقوق اساسی مردم در مقایسه با سایر قوا بی‌بدیل و شاید قیاس‌ناپذیر است. کارکردگرایان، بیشتر به ثبات نظام اجتماعی می‌اندیشند، خوش‌بینانه به حیات اجتماعی می‌نگرند، و بر

ضرورت اجماع نظر در مورد اهداف، ابزار، و دستیابی به اهداف جامعه تأکید دارند. از نظر تالکوت پارسونز و چالمرز جانسون جوامع، نظام‌هایی خودتنظیم‌شونده هستند. نظام خودتنظیم‌شونده، نظامی است که با تغییر آرایش نهادی خود با دگرگونی سازگار می‌شود و تعادل را بین آن‌ها حفظ می‌کند تا نظام به گونه‌ای مؤثر در حال فعالیت بماند. در این حالت، مهم‌ترین وظیفه نظام اجتماعی، حفظ رأی و همدلی مردم در مورد ارزش‌های موجود در جامعه است (ازغندی، ۱۳۸۵: ۹۶).

حفظ پایداری و ثبات اجتماعی و پیشگیری از تغییرات بنیادین، از رهیافت‌های اساسی کارکردگرایان است. آنان خوش‌بینانه به حیات اجتماعی می‌نگرند و چنانچه از جامعه‌شناسی نظم، یا جامعه‌شناسی پیشگیری از تغییرات بنیادین بحث می‌کنند، در اصل به پیروی از امیل دورکیم و سایر نظریه‌پردازان بر ضرورت اجماع نظر در مورد اهداف و ابزار و دستیابی به اهداف جامعه تأکید دارند. در این رهیافت، چیزی که اهمیت زیادی دارد، این است که چگونه با پرداختن به امور جامعه آن را به مثابه یک پیکره، سر پا نگه داریم. دورکیم بر همبستگی جامعه، استحکام نظام سیاسی، رضایت عمومی شهروندان، و به‌روز بودن نظام سیاسی تأکید دارد (Gibson, 2005: 16-17).

در کارکردگرایی پارسونز، منابع و عوامل بالقوه تغییر ساختاری، ترکیبی از عوامل بیرونی و درونی هستند که معمولاً با هم عمل می‌کنند. عوامل بیرونی تغییر ساختار اجتماعی، باعث همسویی درونی اجزای نظام می‌شوند. یکی از منابع مشخص و مهم تغییر از بیرون، تغییری است که در سایر نظامات اجتماعی ریشه دارد. برای یک جامعه و نظام سیاسی باثبات، مهم‌ترین عوامل تغییر اجتماعی از بیرون، سایر جوامع باثبات بیرونی و همجوار هستند. یکی دیگر از منابع بی‌ثباتی و تزلزل یک نظام، فشار و تنش درونی خود نظام است؛ تغییری که از آن به‌عنوان یکی از عمومی‌ترین منابع درونی بی‌ثباتی یاد می‌شود. فشار یا تنش درونی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در روابط بین دو یا چند واحد اجتماعی که جزء سیستم و نظام اصلی هستند، ایجاد می‌شود و در یکی از این زیرسیستم‌ها، تمایل به فشار بر اجزای دیگر سیستم، برای از تعادل خارج کردن آن‌ها و کل نظام رخ می‌دهد. توصیه کارکردگرایان، کاستن از این فشارها برای جلوگیری از به‌هم خوردن ساختار مستقر و هدف عمده، تشخیص نیازهای نظام برای تعیین شیوه‌هایی است که براساس آن نظام، نیازهای خود را برطرف می‌کند. همچنین،

تحلیل کارکردی پارسونز، معطوف به طبقه‌بندی کردن مسائلی است که کل نظام باید به‌منظور حفظ موجودیت و حرکت خود آن‌ها را حل کند (پارسونز^۱، ۱۹۶۱، به‌نقل از: کالهن^۲، ۲۰۰۷: ۴۳۸-۴۳۷).

ژان ژاک روسو در کتاب مشهور «قرارداد اجتماعی»^۳، ضمن بحث از قانون می‌نویسد: «موضوعی که درباره آن مقررات وضع می‌شود، همانند اراده واضح آن، عام است. این همان عملی است که من نامش را قانون می‌گذارم. هنگامی که می‌گویم که موضوع قوانین همیشه عام است، مقصود این است که قانون، افراد را به‌مثابه مجموعه و اعمال را به‌گونه‌ای تجربیدی می‌انگارد، یعنی هرگز یک انسان را به‌عنوان یک فرد و یک عمل را به‌عنوان امر خصوصی در نظر نمی‌گیرد. در یک کلمه، هرگونه وظیفه‌ای که مربوط به یک موضوع فردی باشد، به‌هیچ‌روی به قوه مقننه تعلق ندارد». از این منظر، چنانچه قانون و قاعده، عام و شامل نباشد، یا اینکه از حیث موضوعی به یک امر اختصاصی مربوط شود، به‌لحاظ ماهوی در دایره فعالیت‌های تقنینی نمی‌گنجد. حتی اگر چنین قواعدی را دستگاه ویژه قانون‌گذاری نیز وضع کند، به آن نمی‌توان عنوان قانون داد. پس بنا به نظر روسو، محتوای عمومیت و شمول قاعده، تعیین‌کننده و محک بازشناسی قانون از غیرقانون است و قوه مقننه یا مجلس به نیرویی گفته می‌شود که دست به وضع و صدور چنین قواعد یا قوانینی بزند (قاضی، ۱۳۹۳: ۳۷۴-۳۷۳).

وجود پارلمان یا سیستم نمایندگی، اغلب به‌عنوان یکی از جلوه‌های روشن دموکراسی جدید تعبیر می‌شود، زیرا تاکنون بدیلی برای آن یافت نشده و به همین دلیل غیرقابل تشکیک و چالش است (باکر^۴، ۲۰۰۶: ۵۹).

براین اساس، نظام پارلمانی به‌عنوان یک واقعیت سیاسی و قانونی نهادینه‌شده وجود دارد. واژه نمایندگی ریشه در کلمه «repraesentare» لاتین دارد که به معانی «انتقال سریع‌ترین تأثیر» و «به‌نمایش گذاشتن» است. مورکلارک، مورخ یونانی

1. Parsons
2. Calhaun
3. Social Contract
4. Baker

می‌نویسد که در زمان امپراطور آگوستوس^۱، رومیان مجموعه اداری را تجربه کرده‌اند که بعضی از ویژگی‌های پارلمان‌های امروزی را داشتند. دسته‌هایی از فرستادگان مردم، به صورت انتخابی و گاهی انتصابی تشکیل می‌شدند که تا حدودی اختیار وضع مالیات را داشتند. در ورای این روند در مورد شکل‌گیری پارلمان یا سیستم نمایندگی، مفهومی وجود دارد که نشان‌دهنده مسیری است که ما با استناد به آن، عبارت نظام پارلمانی و نمایندگی را به کار می‌بریم. درعین حال، این روند تاریخی به ما خاطرنشان می‌کند که چه اموری را از نمایندگانمان انتظار داشته باشیم و آنان باید مانع انجام چه اموری شوند که در راستای منافع عمومی نیستند، چگونه انسان‌هایی باشند، و ارتباط ما با آنان چگونه باشد (موریس^۲، ۲۰۱۲: ۸).

هانا پیتکین^۳ و آنتونی بیرچ^۴ دو تن از مشهورترین نویسندگانی هستند که تلاش کرده‌اند، نگاه قابل فهم و همه‌جانبه‌ای از موضوع پارلمان و سیستم نمایندگی ارائه دهند؛ هرچند ممکن است نگاه و تعریف این دو از تعریف معمول و مرسوم از نظام نمایندگی و پارلمانی، با بقیه متفاوت باشد، یا تنها یک یا چند معنی خاص آن مورد اتفاق نظر آن‌ها باشد. بیرچ در اثر کلاسیک خود با عنوان «سیستم پارلمانی یا نمایندگی»، بیان می‌کند که نظام پارلمانی، تنها یک معنی ندارد. نگاه و تعریف او از سیستم نمایندگی، کاربردهای زیادی دارد و هر تعریف به لحاظ منطقی از سایر تعریف‌ها معجزا و متفاوت است (موریس^۵، ۲۰۱۲: ۱۰).

از سوی دیگر، پیتکین، معروف‌ترین نظریه‌پرداز نظام‌های پارلمانی، در اثر معروف خود با عنوان «مفهوم نمایندگی یا سیستم پارلمانی» بر این نظر است که مفهوم نظام نمایندگی نمی‌تواند نماد یک مفهوم انتقالی باشد، بلکه خود به تنهایی نماد یک ایده و عقیده بسیار چندساحتی و درعین حال، دارای معانی متعدد است (پیتکین، ۱۹۶۷: ۲۴۱).

-
1. Emperor Augustus
 2. Morris
 3. Hana Pitkin
 4. Anthony Bircch
 5. Morris

اساساً نظریه نظام پارلمانی و نمایندگی، حول سه پرسش اساسی شکل می‌گیرد:

چه کسی نماینده می‌شود؟ از چه چیز یا چیزهایی نمایندگی می‌کند؟ چگونه نمایندگی می‌کند؟ پرسش اساسی در اینجا این است که قدرت در کجا واقع شده است؟ دو نظر در این مورد وجود دارد؛ یک نظر این است که قدرت از بالا و صاحبان قدرت است و به هر شکل و با هر عنوانی که بخواهند آن را اعمال می‌کنند؛ نظر دیگر این است که قدرت از پایین است و از مردم گرفته شده و اعمال می‌شود. نظریه «ارتقای عمودی»، مبتنی بر بحث‌هایی است که شباهتی به دیدگاه‌های نظریه‌پردازان دموکراسی ندارد. در دموکراسی، قدرت سیاسی توسط مردم ایجاد می‌شود و در نتیجه، توسط آن‌ها نمایندگی می‌شود و پیش از هر چیز، حاکم و رئیس کشور، تابع قدرت مردم است. حاکم به‌عنوان نمادی از مردم‌سالاری، براساس نظام پارلمانی، قدرت را در راستای منافع آنان به‌کار می‌برد. درحالی‌که در نظریه انتخاب طبیعی یا گزینش الهی، قدرت حاکم یا پادشاه ناشی از قدرت الهی بوده و حاکم تنها به خدا پاسخ‌گو است و پارلمان، برای حاکم و پادشاه، نقش کارگزاری یا حداکثر، نقش مشورتی دارد. در قرن هفدهم، ژان ژاک روسو در اثر معروفش با عنوان «قرارداد اجتماعی»، نظریه‌های سنتی درباره سیستم نمایندگی و پارلمان را به‌چالش کشید و از این تاریخ به بعد، قدرت سیاسی در مورد نحوه اداره جامعه به‌چالش کشیده می‌شود و به‌عبارت دیگر، قدرت سیاسی محدود می‌شود و در مقابل اعمال قدرت، مجبور به حسابرسی و پاسخ‌گویی است. در واقع، نقطه عزیمت محدودسازی قدرت و ایجاد سیستم پارلمانی از «لویتان»^۱ اثر هابز آغاز شد. از نظر او، مردم‌سالاری و سیستم پارلمانی، روشی غیر از نظریه طبیعی دولت از منظر جان لاک^۲ است (هابز، ۲۰۰۲: ۱۲۵).

از اینجا به بعد است که نظریه «پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری، جایگزین نظریه سنتی و گزینش طبیعی حکومت می‌شود. در نظریه پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری هابز، کاستی‌ها و ضعف‌های نظریه قدرت طبیعی رفع و اصلاح می‌شوند. براساس این نظریه، نماینده کسی است که به‌محض انتخاب شدن، باید بداند که در برابر

1. Leviathan
2. John Lock

اعمالش در دوران نمایندگی، پاسخ‌گو است و رابطه‌ای که براساس نظریه قدرت بین موکل و نماینده وجود داشت، کنار گذاشته می‌شود، زیرا در «نظریه طبیعی قدرت»، اعتقاد به پاسخ‌گویی به مردم، در حد ضعیف و ناچیزی است. در تمام نظریه‌های معطوف به قدرت، انتخابات بیشترین نقش را برای نمایندگان به‌عنوان کارگزاران قدرت حاکمه قائل است و از نقطه‌نظر تأمین اهداف مردم با نظام‌های مبتنی بر پاسخ‌گویی به مردم تفاوت زیادی دارد. برای نظریه‌پردازان طرفدار حکومت و اقتدارگرایان، هدف انتخابات، گزینش و ایجاد فرصت‌هایی برای انتخاب نمایندگان خاص است. انتخابات باهدف و حساب‌شده برای مردم و نمایندگان است و هدف، انتقال قدرت از شخصی به شخص دیگر است و پس از آن، نمایندگان از پاسخ‌گویی و مسئولیت در برابر مردم آزاد و معافند (موریس^۱، ۲۰۱۲: ۱۴).

۲. نظام‌های انتخاباتی

منظور از نظام‌های انتخاباتی، اتخاذ روش‌هایی است که نتایج آن درنهایت، به بهترین شکل بازتاب‌دهنده گرایش‌های شهروندان و رأی‌دهندگان باشد، یعنی ترکیب اعضای پارلمان، کم‌وبیش‌الگویی از ترکیب افکار، احزاب، و گروه‌های سیاسی باشد و تصویر صادقی از دیدگاه‌های جامعه ارائه کند. پس نظام‌های انتخاباتی، سازماندهی روش‌هایی برای رسیدن به این هدف هستند و طبعاً با انواع رأی و روش‌های رأی‌گیری تفاوت دارند. قوانین انتخاباتی کشورهای مختلف، هر یک به روشی توسل جسته‌اند و هواداران هر یک از این نظام‌ها به مزایای اجرایی یا سیاسی آن استناد می‌کنند و در راستای اثبات حقانیت شیوه خود، دلایلی دارند (قاضی، ۱۳۸۳: ۶۱۷)، ولی در اینجا باید یادآوری کنیم که اگر هدف از طرح‌ریزی هر کدام از این نظام‌ها این است که نهاد پارلمان تا حد امکان تصویر قابل‌قبولی از خواسته‌های موجود در جامعه باشد، باید پذیرفت که در عمل، هیچ کدام از این نظام‌ها نمی‌توانند کاملاً به این هدف برسند. در تعریف نظام یا سیستم انتخاباتی، گفته می‌شود که نظام انتخاباتی، روشی است برای تبدیل رأی‌ها به کرسی‌های نمایندگی برای احزاب و کاندیداها. متغیرهای کلیدی‌ای که این نظام‌های انتخاباتی را از هم تفکیک می‌کند،

مربوط به نحوه و شکل کارکرد آنهاست که آنان را با هم متفاوت و در قالب نظام‌های اکثریتی، تناسبی، و فرمول‌های ریاضی برای شمارش و تعیین کرسی‌ها دسته‌بندی می‌کند؛ به این ترتیب که آرای تعداد نمایندگان هر حوزه انتخابیه بر مبنای یکی از نظام‌های انتخاباتی، شمارش و استخراج می‌شود. یکی از وجوه مثبت یک نظام انتخاباتی متفاوت می‌تواند رفع برخی تنگناها و تفاوت‌های طبیعی نظام‌های سیاسی با توجه به وجوه اختلاف آنها باشد. مفهوم یک نظام و سیستم انتخاباتی همچنین، شامل سایر اجزای مهم انتخابات از جمله برش حوزه‌ای و منطقه‌ای، مرحله ثبت و ویژگی‌های رأی‌دهندگان، دادن برگ رأی، شمارش و جمع‌بندی رأی‌ها و مراحل دیگر باشد (رینولد و ریلائی^۱، ۲۰۰۲: ۷). اهمیت نظام‌های انتخاباتی در این مبحث نهفته است که نهادها و مؤسسه‌های سیاسی، آن را محل اجرای قواعد بازی سیاسی و تمرین دموکراسی می‌دانند و بارها شنیده شده است که نظام‌های انتخاباتی، بهترین گذرگاه برای دستیابی به دموکراسی هستند، یا اینکه کدام سیاست و نظام انتخاباتی برای این منظور بهتر یا بدتر است.

نظام انتخاباتی مشخص می‌کند که چه کسی برنده انتخابات شده است و چه حزبی قدرت سیاسی را به دست گرفته است. با تعداد معینی رأی در یک نظام انتخاباتی، قدرت به یک حزب سیاسی داده می‌شود و با همان تعداد رأی در یک نظام انتخاباتی دیگر، قدرت به حزب دیگری داده خواهد شد و در نظام انتخاباتی سوم، پس از ائتلاف احزاب با یکدیگر، نتیجه انتخابات به سود احزاب ائتلافی خواهد بود. نظام انتخاباتی، آثار دیگری نیز بر نظام سیاسی دارد؛ از جمله اینکه حتی شکل نظام سیاسی و حکومت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و همچنین، تعداد و اندازه احزاب سیاسی را در قوه مجریه، تعیین و حتی جابه‌جا می‌کند. سیستم انتخاباتی، نتایج کم‌وبیش مؤثری بر همبستگی، انسجام درونی، و نظم احزاب دارد؛ در واقع، برخی نظام‌های انتخاباتی می‌توانند آثار دلگرم‌کننده‌ای بر نوع رویارویی برخی از احزاب کوچک، یا گرایش‌های سیاسی در راستای تشکیل جبهه مشترک داشته باشند. نظام‌های انتخاباتی به طور هم‌زمان می‌توانند بر روند کمپین انتخاباتی و

رفتار نامزدهای انتخاباتی تأثیر گذاشته و به فضای عمومی انتخابات کمک می‌کند و فضای سیاسی عمومی جامعه را شکل دهد (رینولد و ریلائی^۱، ۲۰۰۲: ۸). نظام‌های انتخاباتی می‌توانند باعث ایجاد شوق و به‌وجود آوردن گروه‌ها، یا ایجاد مشکلات برای گروه‌هایی شوند که قصد ائتلاف با یکدیگر دارند. این نظام‌ها می‌توانند موجب افزایش امید و ورود احزاب و گروه‌های پارلمانی، یا سبب راهنمایی و راه‌یابی و گرفتن سهم مناسب گروه‌های قومی شوند. علاوه بر همه این آثاری که یک نظام انتخاباتی دارد، یک سیستم انتخاباتی اگر صادقانه عمل نکند و برای گروه‌های مخالف هیچ امیدی به پیروزی در مشارکت سیاسی به‌جای نگذارد، باعث خواهد شد که در دوره‌های بعدی انتخابات، کسانی که بازندهٔ انتخاب هستند، به فعالیت سیاسی خارج از سیستم گرایش یابند، یا رو به سوی روش‌های غیردموکراتیک نهاده و به تنش و خشونت متوسل شوند. به بیان دیگر، انتخاب نظام انتخاباتی برای احقاق حق رأی شهروندان به‌شکلی آسان و از روی اختیار و آزادی، گزینش نظام انتخاباتی را با پیچیدگی بیشتری روبه‌رو می‌کند. رعایت این عنصر از عناصر انتخاباتی (سهولت و آزادی عمل) به‌ویژه در جوامعی که تجربه کمی در مشارکت انتخاباتی دارند، یا تعداد زیادی شهروند بی‌سواد دارند، به‌مراتب دشوارتر است.

۳. انواع نظام‌های انتخاباتی

۳-۱. نظام‌های اکثریتی^۲

ویژگی اساسی نظام‌های اکثریتی این است که پس از قرائت و شمارش رأی‌ها، هر نامزدی که بیشتر از دیگران رأی داشته باشد، انتخاب می‌شود و کسانی که پس از او قرار گرفته باشند، شکست می‌خورند؛ بنابراین، شیوه محاسبه، بسیار ساده است و نیازی به استفاده از عملیات پیچیده ریاضی نیست. نظام‌های اکثریتی، خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. نظام‌های اکثریتی ساده یک‌مرحله‌ای، که در آن انتخابات، تنها در یک مرحله انجام می‌شود و فردی برنده انتخابات است که بیشترین رأی‌ها را در همان مرحله

1. Reynolds and Reilly
2. Systemes majoritaires

نخست به دست آورد. این نظام در بریتانیا برای انتخاب نمایندگان مجلس عوام و در امریکا برای انتخاب سناتورها به کار می‌رود؛

۲. نظام‌های اکثریتی دومرحله‌ای که در آن کسب درصد مشخصی از رأی‌ها را مبنای برنده شدن در انتخابات می‌دانند و چنانچه داوطلب، آن درصد را کسب نکند، انتخابات به مرحله دوم کشیده می‌شود. فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی از این نظام استفاده می‌کنند (قاضی، ۱۳۹۳: ۶۱۸).

۲-۳. نظام‌های تناسبی^۱

هدف اصلی از ایجاد نظام‌های تناسبی این است که تمام گروه‌ها و احزاب سیاسی، تا حد امکان بتوانند به تناسب رأی‌های خود، صاحب کرسی‌های پارلمانی شوند تا شیوه انتخابات در عمل، منجر به سود رساندن به برخی و شکست دادن برخی دیگر نشود و هریک از حریفان در انتخابات به نسبت نیروی خود، نمایندگانی در پارلمان داشته باشند و نظرات خود را بیان کند. این نوع نظام، بیشتر در جوامع چندحزبی برقرار می‌شود. در این نظام، انتخابات باید به صورت لیستی انجام پذیرد (همان، ۶۲۲).

۳-۳. گسترش نظام‌های تلفیقی^۲

از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۵، نظام‌های انتخاباتی اکثریتی به جز در کشورهای انگلوساکسون، تا حدودی به نفع نظام تناسبی کوتاه آمده و به شکل نیمه‌اکثریتی و نیمه‌تناسبی درآمدند. انتخابات در آلمان، فرانسه، و ایتالیا را می‌توان این‌گونه دانست. بسیاری از نظام‌های انتخاباتی نوپا، مانند نظام‌هایی که اخیراً در ایتالیا، نیوزلند، و روسیه مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، از نظام‌های تلفیقی با شکل‌های مختلف قابل جایگزین استفاده می‌کنند. نظام اعضای افزوده مورد استفاده در آلمان، حوزه‌های تک‌نماینده‌ای را با حوزه‌هایی با لیست‌های حزبی ترکیب می‌کند. انتخاب‌کنندگان، دو رأی دارند. نصف بوندستاگ^۳ در حوزه‌های تک‌نماینده‌ای، براساس اکثریت نسبی رأی‌ها، و بقیه اعضای پارلمان، از روی لیست احزاب انتخاب می‌شوند (نبی‌لو، ۱۳۹۱: ۳۴۵).

1. Proportional Systemes
2. Systemes Developee Mixte
3. Bundestag

۴. پیشینه نظام انتخابات پارلمانی در ایران

۴-۱. انقلاب مشروطه، سرآغاز نظام پارلمانی

فرمان اعطای مشروطیت در روز یکشنبه ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هـ ق برابر با ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ خورشیدی (مطابق با ۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی) از سوی مظفرالدین شاه قاجار صادر شد. در این فرمان آمده است:

«جناب اشرف صدراعظم: از آنجا که حضرت باریتعالی جل شأنه سررشته ترقی و سعادت ممالک محروسه ایران را بکف باکفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرار داده، لهذا در این موقع که رأی و اراده همایون ما بدان تعلق گرفت که برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشدید و تأیید مبانی دولت اصلاحات مقتضیه به مرور در دوائر دولتی و مملکتی به موقع اجرا گذارده شود، چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان و علما و قاجاریه و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف به انتخاب طبقات مرقومه، در دارالخلافه تهران تشکیل و تنظیم شود که در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه، مشاوره و مذاقه لازم را به عمل آورده و به هیئت وزرای دولتخواه ما در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد، اعانت و کمک لازم را بنماید و در کمال امنیت، عقاید را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات قاطبه اهالی مملکت، توسط شخص اول دولت به عرض برساند که بحصبه همایونی موشح و به موقع اجرا گذارده شود. بدیهی است که به موجب این دست‌خط مبارک، نظام‌نامه و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را موافق تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ مرتب و مهیا خواهد نمود که بصره ملوکانه رسیده و بعون‌الله تعالی مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ما است، افتتاح و به اصلاحات لازمه امور مملکت و اجرای قوانین شرع مقدس، شروع نماید و نیز مقرر می‌داریم که سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمایید تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً راجع به ترقی دولت و ملت ایران است، کما ینبغی مطلع و مرفه‌الحال مشغول دعاگویی دوام این دولت و این نعمت بی‌زوال باشند (قصر صاحبقرانیه به تاریخ ۱۴ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۴ هـ ق در سال یازدهم سلطنت ما)».

با صدور فرمان مشروطیت و فرمان مکمل آن، برای نخستین بار در ایران، امکان ایجاد مجلس قانون‌گذاری به شیوه جدید که در آن نمایندگان برگزیده مردم به وضع قوانین و مقررات بپردازند، فراهم شد (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۰).

با پذیرش اصل مشروطیت و برگزاری انتخابات برای تعیین نمایندگان مجلس از سوی شاه، تلاش برای تهیه و تدوین نظام‌نامه انتخابات به سرعت آغاز شد. در ۲۶ مرداد ۱۲۸۵ خورشیدی، به دعوت دربار و با حضور علما، رجال، اعیان، اشراف، بازرگانان، اصناف و شاهزادگان در عمارت مدرسه عالی نظام در مجموعه کاخ گلستان، مجلس موقتی برای تدوین نظام انتخابات تشکیل شد. آزادی‌خواهان پس از موفقیت، برای انتخاب نمایندگان و تهیه مقدمات افتتاح مجلس و تسلط حکومت ملی بر اوضاع آشفته ایران، در صدد تهیه نظام‌نامه انتخابات برآمدند و به این منظور، در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۲۸۵ شمسی مطابق با ۲۷ جمادی‌الآخر سال ۱۳۲۴ هـ.ق، «نخستین مجلس شورای ملی» به طور موقت که در واقع، می‌توان از آن به‌عنوان مجلس مؤسسان یاد کرد، در مدرسه عالی نظام با حضور بیش از ۲۰۰۰ نفر از علما، بازرگانان، اصناف و همچنین، اعیان و وزرا و رجال دربار به منظور تمهید مقدمات گشایش نخستین دوره مجلس شورای ملی و تهیه قانون انتخابات تشکیل شد (شجیعی، ۱۳۸۳: ۱۳۲). نظام‌نامه انتخابات در تاریخ ۱۹ رجب ۱۳۲۴ هـ.ق (۱۷ شهریور ۱۲۸۵) به امضای مظفرالدین شاه رسید و در جلسه مورخ دوشنبه، ۲۰ رجب ۱۳۲۴ هـ.ق، مجلس شورای موقت (مجلس مؤسسان) با حضور میرزا نصرالله خان مشیرالدوله و جمعی از رجال دولت، قانون انتخابات را که در قالب دو فصل و ۳۳ ماده، به توشیح شاه رسیده بود، قرائت کردند. به موجب نظام‌نامه یادشده، انتخابات در سراسر کشور، طبقاتی تعیین شد و مطابق ماده اول از فصل اول نظام‌نامه، طبقات زیر در انتخابات توفیق حضور می‌یافتند: شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف و تجار، مالکان، فلاحان و اصناف. در ماده هشت نظام‌نامه، برای طبقات بالا محدودیتی از لحاظ تعیین نماینده برای مجلس، پذیرفته نشده بود و انتخاب‌کنندگان، آزاد بودند از هر طبقه اجتماعی که مورد اعتماد آن‌ها باشد، نماینده خود را انتخاب کنند و الزامی برای اینکه از طبقه و صنف خودشان باشد، وجود نداشته است. (شجیعی، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

ترکیب نمایندگان دوره مشروطیت، تابع شرایط اقتصادی-اجتماعی آن دوران بود و در اکثر ۲۴ دوره مجلس شورای ملی، تابع یک متغیر برتر و مسلط آن زمان، یعنی زمین بود. در مملکتی که اساس اقتصاد آن مبتنی بر کشاورزی است و صنعت و تکنیک جدید در مرحله ابتدایی رشد خود قرار دارد، جای شگفتی نیست که زمین‌داران و صاحبان تیول از منزلت اجتماعی ویژه‌ای برخوردار باشند و با روی کار آمدن رژیم‌های سیاسی مختلف، موقعیت ممتاز خود را حفظ کرده و در زمره طبقه حاکمه به‌شمار آیند. در هر سه دوره مشروطیت، یعنی از اعلان مشروطیت در زمان مظفرالدین شاه، تا مشروطیت دوم در زمان رضاشاه و مشروطیت سوم در عصر محمدرضاشاه، این متغیر، یعنی داشتن زمین، تعیین‌کننده بود و در مورد خانواده‌های بزرگ زمین‌دار جانب احتیاط رعایت می‌شد تا موجب رنجش خاطر آنان فراهم نشود. پیشنهاد دکتر مصدق مبنی بر افزایش سهم دهقانان از محصول به بایگانی سپرده شد. خانواده‌های اشرافی زمین‌داری مانند علم، دوست دوران کودکی شاه و زمین‌دار بزرگ منطقه بیرجند، علاء، حکمت، ذوالفقاری، قراگوزلو، اردلان، بیات، دولو، بختیاری، همدانی، و فرمانفرما در تهران و استان‌های دیگر قدرت داشتند. نسبت نمایندگان زمین‌دار در مجلس از ۴۹ درصد در مجلس هفدهم (۱۳۳۱-۱۳۳۲) به ۵۰ درصد در مجلس هجدهم (۱۳۳۲-۱۳۳۳) و ۵۱ درصد در مجلس نوزدهم (۱۳۳۹-۱۳۳۵) رسید. همچنین، هنگامی که زاهدی، نخست‌وزیر وقت، در فروردین ۱۳۳۴ تلاش کرد تا رئیس خانواده ذوالفقاری را از ورود به مجلس باز دارد، شاه برای تثبیت قدرت خود، زاهدی را برکنار و علاء، درباری کهنه‌کار را به نخست‌وزیری منصوب کرد (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۵۱۷).

۲-۴. انقلاب اسلامی و نظام پارلمانی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس، جایگاه ویژه‌ای دارد و برای تحکیم این جایگاه، چند اصل از قانون اساسی به آن اختصاص یافته است؛ از جمله «اصل ششم»: در جمهوری اسلامی ایران امور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخابات ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای اسلامی و نظایر این‌ها یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول

دیگر این قانون تعیین می‌شود. اصول ۱۰۰ تا ۱۰۶ قانون اساسی که ناظر به وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی شهر و روستا هستند، بر جایگاه برجسته و رفیع مجلس شورای اسلامی دلالت دارند، زیرا پرداختن به مسائل محلی و منطقه‌ای را به‌عهده شوراهای اسلامی واگذار کرده‌اند و مجلس را از دغدغه ورود به مشکلات و مسائل محلی، منطقه‌ای، و کوچک آزاد نموده و شأن مجلس را برای پرداختن به مسائل ملی و سیاست‌گذاری‌های کلان و برنامه‌های توسعه، باز گذاشته‌اند. «برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی، و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان، یا استان با نظارت شورایی به‌نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان، یا استان انجام می‌شود که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای یادشده و سلسله‌مراتب آن‌ها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون معین می‌کند» (اصل ۱۰۰ قانون اساسی).

به‌نظر می‌رسد که این اصل، بر نقش کلان و ملی مجلس شورای اسلامی دلالت دارد و امور محلی و منطقه‌ای را دارای صلاحیت طرح در مجلس نمی‌داند و شأن مجلس را از پرداختن به امور محلی و منطقه‌ای بالاتر و مهم‌تر دانسته و برای رسیدگی به امور محلی، شوراهای محلی را در قانون پیش‌بینی کرده است. در این دوره از نظام پارلمانی در ایران شاهد دو لایحه قانونی انتخابات مجلس شورای اسلامی هستیم که نظام انتخاباتی ایران را از انقلاب اسلامی به‌این‌سو مشخص می‌کند:

۱. لایحه قانونی انتخابات مجلس شورای ملی مصوب شورای انقلاب در ۱۷ بهمن ۱۳۵۸: این لایحه در دوران فترت پیش از تشکیل نخستین مجلس انقلابی به‌عنوان اولین قانون انتخابات مجلس، همانند نخستین نظام‌نامه انتخابات در دوران مشروطیت، در بیرون از مجلس به‌تصویب شورای انقلاب رسید و انتخابات مجلس براساس آن برگزار شد. در شورای انقلاب در زمان تصویب این لایحه یکی از مهم‌ترین مباحث مورد اختلاف و گفت‌وگو و شاید مهم‌ترین آن‌ها، همین مسئله

نظام انتخاباتی و حوزه‌بندی، به‌ویژه در شهر تهران که دارای ارتباط تنگاتنگی با مسئله نظام انتخابات است، بوده است. در بحث‌های مربوط به انتخابات، بدون پرداختن به انواع نظام‌های انتخاباتی که احتمالاً می‌توانستند در ایران مورد استفاده قرار گیرند، تنها بحث و اختلاف بر سر پذیرش اکثریت نسبی یا اکثریت مطلق برای انتخاب نمایندگان بوده است. دامنه بحث بر سر پذیرش نظام کثرتی یا اکثریتی از پذیرش ملاک اکثریت نسبی یا مطلق خارج نشده است و پای خانواده مهم و گسترده نظام‌های تناسبی و خانواده‌های نیمه‌تناسبی یا تلفیقی به بحث کشانده نشده است. به‌هرحال و درنهایت، نظریه پذیرش ملاک اکثریت مطلق آرا، پیروز شد و برای نخستین بار نظام انتخاباتی «دودوری یا اکثریتی» در ایران به‌کار رفت و نصاب اکثریت مطلق جایگزین اکثریت نسبی در نظام انتخابات پارلمانی مشروطیت، مورد تصویب قرار گرفت (هاشمی و مختاری، ۱۳۷۹: ۳۲۷-۳۲۶).

۲. لایحه انتخاباتی مصوب ۱۳۶۲ و ۱۳۷۸/۹/۷ که با اصلاحاتی درنهایت، در تاریخ ۱۳۸۶/۱/۲۶ به تصویب و تأیید نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان قانون اساسی رسید. قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸/۹/۷، دارای ۹۴ ماده قانونی است. نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران براساس ماده ۸ این قانون «نظام اکثریتی دو دوری» است، با این تفاوت که نظام مبتنی بر اکثریت مطلق مصوب شورای انقلاب به نظام اکثریت یک‌چهارم آرا تقلیل یافته، و برنده انتخابات در دور دوم کسی است که حائز اکثریت نسبی آرا شود (مجلس شورای اسلامی، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، ماده ۸).

۵. تحلیل انتقادی گفتمان به‌مثابه روش بررسی نطق نمایندگان

همه کردارهای انسانی (کلامی و غیرکلامی) را می‌توان به‌لحاظ نظری برحسب ساختارهای غایی که پیش از آن در تاریخ و جامعه موجودیت داشته و درنهایت، در زیست‌شناسی ذهن آدمی ریشه دارد، تحلیل کرد. پل‌اینس، به بیانی دیگر به ما می‌گوید، در روش ساخت‌گرایی می‌توان فعالیت فرهنگی را به‌صورت عینی و در قالب یک علم، مورد توجه و تحلیل قرار داد. در ساخت‌گرایی، مؤلفه‌هایی که با یک سازمان یکپارچه مطابقت دارند، مشخص می‌شوند و سپس، در یک رابطه شبکه‌مانند

با یکدیگر قرار می‌گیرند. این مناسبات، شکل‌دهنده ساختار فراگیری هستند که بنیان پدیده فرهنگی به‌شمار می‌آیند. زبان، کانون پسا‌ساختارگرایی است؛ در کل، زبان امکانات وجود معنا دار را تعریف و در عین حال محدود می‌کند. به اعتقاد پسا‌ساختارگرایان ما از طریق زبان، چونان ذهنیت‌های مستقل، ساخته و پرداخته می‌شویم. به عبارت دیگر، از طریق زبان، ذهنیت تعداد بی‌شماری از کردارهای گفتمانی (عمل صحبت کردن، متن، نوشتن، ادراک، برهان‌آوری و در مجموع، بازنمایی) شکل می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۹۳: ۸۹-۸۹). روش تحلیل گفتمان از جمله روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که از طریق آن می‌توان متون نوشتاری و شفاهی را با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی آن، به گونه‌ای دقیق و منظم، تحلیل و ارزیابی کرد. این روش به مراتب از سایر روش‌ها از جمله روش‌های مصاحبه و پرسش‌نامه، که هم واکنشی و هم مداخله‌کننده هستند، بهتر است، اما حقیقت این است که تحلیل گفتمان، از جمله روش‌های غیر واکنشی و غیر مداخله‌ای است، زیرا اسناد مورد مشاهده و متون مورد تحلیل، پیشتر ثبت و ضبط شده‌اند و صاحبان اسناد و پدیدآورندگان آثار در کار تحلیل و واکنش و همچنین، تحلیل‌گران و پژوهشگران در چگونگی خلق، تدوین، و بسط اسناد و مدارک، دخالتی ندارند. تحلیل گفتمان، روشی است که در فرایند مطالعات میان‌رشته‌ای در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی، نشانه‌شناسی، انسان‌شناسی، سیاست‌گذاری عمومی، علوم سیاسی، و سایر گرایش‌ها و رشته‌های علوم انسانی به‌عنوان روشی نوپا، به‌کار گرفته می‌شود (عقیلی و لطفی حقیقت، ۱۳۸۹: ۱۷۴-۵).

این پژوهش به‌صورت تصادفی سه دوره از دوره‌های مجلس شورای اسلامی را انتخاب و به بررسی نطق و سخنرانی‌های پیش از دستور برخی از نمایندگان محترم پرداخته است. نحوه انتخاب حوزه‌های انتخابی و پراکنش جغرافیایی آن‌ها نیز به‌صورت تصادفی بوده است. از حوزه‌های انتخابیه کوچک ۴ حوزه، حوزه‌های متوسط ۲ حوزه، شهرهای بزرگ ۲ حوزه، و کلان‌شهرها نیز ۲ حوزه انتخاب شد. با نگرش به تحلیل انتقادی گفتمان، ابتدا نطق‌های نمایندگان دوره‌های یادشده به نسبت حوزه‌های مختلف انتخاباتی ذکر شده در بالا (یعنی شهرستان‌های کوچک ۴ حوزه، شهرستان‌های متوسط ۲ حوزه، شهرهای بزرگ ۲ حوزه، و کلان‌شهرها ۲

حوزه) براساس تصادف و از نقاط مختلف کشور انتخاب شد. کار برگرفتن و بیرون کشیدن مجموعه جمله‌ها و گزاره‌های بیان‌شده در نطق‌های سال اول نمایندگان حوزه‌های انتخابیه در دوره چهارم، هفتم، و دهم انجام شد. گزاره‌ها و جمله‌های استخراج‌شده در جدول‌های مجزایی ثبت شدند و همراه با هر گزاره «دال اصلی یا مرکزی» آن گزاره نیز ثبت شد. از نظر تعداد نطق‌های پیش از دستور، هرچه از کلان‌شهرها به سمت شهرهای بزرگ، متوسط، و کوچک بررسی ادامه می‌یافت، شاهد سیر کاهش نطق و سخنرانی‌های پیش از دستور بودیم. برای احتیاط و رعایت دقت، سعی کردیم تعداد بیشتر از یک چهارم جلسه‌ها را استخراج کنیم؛ برای نمونه، مجلس چهارم ۴۲۶ جلسه علنی داشت که قاعدتاً اگر بر ۴ سال کاری مجلس تقسیم شود، به هر سال کمتر از ۱۰۷ جلسه تعلق می‌گیرد که با رعایت احتیاط، ۱۱۰ جلسه آن بررسی شد و از بعضی نمایندگان حوزه‌های انتخابیه، نطق پیش از دستوری یافت نشد. از ۴ حوزه انتخابیه کوچک مورد مطالعه در پژوهش، ۶ سخنرانی، شهرهای متوسط ۳ نطق، شهرهای بزرگ ۶ سخنرانی و کلان‌شهرها ۸ نطق پیش از دستور داشته‌اند. اگر سخنرانی‌های پیش از دستور به تعداد نمایندگان حوزه‌های انتخابیه تقسیم شوند، نسبت سخنرانی به افراد به صورت زیر خواهد بود:

حوزه‌های کوچک به نسبت هر نفر ۱ سخنرانی، شهرهای متوسط به نسبت هر نماینده ۱/۵ نطق پیش از دستور، شهرهای بزرگ به نسبت هر نفر ۲ سخنرانی و کلان‌شهرها به نسبت هر نماینده ۲/۶۶ سخنرانی انجام شده است (جدول شماره ۱).

جدول شماره (۱) تعداد سخنرانی‌ها نمایندگان دور چهارم، هفتم، و دهم در سال نخست نمایندگی و نسبت

سخنرانی به نمایندگان با توجه به درجه‌بندی شهرستان‌ها

ردیف	نام شهرستان (حوزه انتخابیه)	تعداد سخنرانی	نسبت سخنرانی به نفر
۱	حوزه‌های انتخابیه کوچک	۶	۱
۲	حوزه‌های انتخابیه متوسط	۳	۱/۵
۳	حوزه‌های انتخابیه بزرگ	۶	۲
۴	حوزه‌های کلان‌شهرها	۸	۲/۶۶

منبع: پژوهش‌های مجلس، بایگانی الکترونیکی نطق نمایندگان، ۱۳۹۶

۶. تحليل كمي و كيفي حاكم بر نطقها

۶-۱. بررسي تعداد و دفعات سخنراني

۱. اينكه نمايندگان حوزه‌هاي كوچك كه در سال نخست عمر مجلس در دوره‌هاي بررسي شده موفق به سخنراني پيش از دستور نشده‌اند، ريشه در هرچيزي كه داشته باشد، بيانگر اين واقعيت است كه مجلس با تمام ظرفيت خود، ايفاي نقش نكرده است و بخش مهمي از ظرفيت خود را كه متعلق به حوزه‌هاي كوچك بوده، همراه نداشته است. اين وضعيت بر كارآمدي و ايفاي نقش اين قوه مهم تأثير بازدارنده‌اي داشته و درصورت تداوم برگزاري انتخابات به شيوه كنوني، ادامه خواهد داشت. در وضعيت كنوني انتخابات مجلس، نظام گزينش نمايندگان مبتني بر اكثريت نسبي است كه چنانچه هر فرد ۲۵ درصد از آراي حوزه انتخابيه را كسب كند، موفق به ورود به مجلس خواهد شد. با توجه به چندقومي بودن اكثر استان‌ها و شهرستان‌هاي کشور، به دست آوردن ۱۰ يا ۱۵ هزار رأی كار دشواري نخواهد بود؛

۲. در بررسي نطق‌هاي حوزه‌هاي انتخابيه متوسط و بزرگ، نقش نمايندگان اين مناطق برجسته‌تر و گوياي مشاركت فعال‌تر نمايندگان اين حوزه‌هاي انتخابيه بوده است، كه از نظر كمي از داشتن نطق بيشترى نسبت به همكارانشان در شهرهاي كوچك حكايت مي‌كند، اما در مقايسه با حوزه‌هاي انتخاباتي كلان‌شهرها، هنوز مجلس با ظرفيت كامل در خدمت سياست‌گذاري‌هاي جامعه و کشور نيست؛

۳. با توجه به تعداد سخنراني‌هاي پيش از دستور نمايندگان كلان‌شهرها و شهرهاي بزرگ استان نسبت به حوزه‌هاي انتخابيه كوچك، اين گونه به نظر مي‌رسد كه نمايندگان كلان‌شهرها و مراكز استان، بيشترين نقش و جهت‌دهي را در مجلس ايفا مي‌كنند و درعمل، داراي بيشترين تأثير در فعاليت‌هاي مجلس هستند و در ارائه طرح و تصويب لوايع، بيشترين سهم را دارند.

۶-۲. بيان گزاره‌هاي نمايندگان در نطق پيش از دستور

۶-۲-۱. حوزه‌هاي انتخابيه كوچك

از مجموع ۲۱۶ گزاره برگرفته شده از نمايندگان دوره‌هاي مورد مطالعه (چهارم،

هفتم، و دهم) ۹۱ گزاره توسط نمایندگان شهرستان‌ها و حوزه‌های انتخابیه کوچک عنوان شده‌اند که بیشتر، رویکرد محلی و منطقه‌ای دارند و به‌ندرت به مسائل کلان و ملی پرداخته شده است. در ارزیابی انجام‌شده، طرح مسائل و مشکلات منطقه‌ای در دوره‌های بعدی باید روند کاهشی داشته باشد، اما یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این‌گونه نیست. در دوره چهارم، روی هم‌رفته ۳۳ گزاره به مشکلات منطقه‌ای و محلی اختصاص داشته‌اند و در دوره هفتم این تعداد به ۳۴ مورد افزایش یافته‌اند (جدول شماره ۲).

جدول شماره (۲). مهم‌ترین گزاره‌ها و دال‌های مرکزی نطق نمایندگان شهرستان‌ها و حوزه‌های کوچک در سال نخست نمایندگی دوره چهارم، هفتم، و دهم

دوره نمایندگی	گزاره‌ها و دغدغه‌های عمده بیان شده توسط نمایندگان	دال شناور	دال مرکزی
چهارم	محکومیت کشورهای خارجی / درخواست به کار گماردن نیروهای بومی / رسیدگی به مناطق روستایی و عشایری منطقه / بیکاری جوانان منطقه / جلوگیری از به‌کارگیری نیروهای غیربومی / رواج کاغذبازی توسط مدیران غیربومی / تأمین کود کشاورزان / ایجاد پادگان نظامی در شهرستان / به‌کارگیری یکی از فرزندان فرهنگیان بازنشسته / لحاظ کردن شهرستان در زمره مناطق محروم / درخواست از وزارت کشور برای تبدیل شدن بخش به شهرستان / گازرسانی به شهرستان / آسفالت جاده‌ها / ایجاد مرکز تربیت معلم در شهرستان / احداث بیمارستان / احداث سد بر روی رودخانه‌های محلی / احداث سیلو / ایجاد کارگاه‌های تولیدی از سوی وزارت کار / ایجاد گمرک / ایجاد اداره هواشناسی	رفع مشکلات منطقه / خدمت به موکلان / رفع بی‌عدالتی	افزایش مطالبات / تضعیف فرهنگ کار / تقدیس فقر / تضعیف عزت نفس / قوم‌سالاری / رفاقت محوری به‌جای برنامه‌محوری / جوش درخواست‌های مداوم
هفتم	تقدیر و تشکر از مردم حوزه انتخابیه برای جلب اعتماد و رأی به آنان / طرح مسئله بیکاری و اعتیاد در منطقه / مقایسه شهرهای دیگر جهان که درگیر جنگ بوده‌اند با حوزه انتخابیه مناطق / تبعیض بین شهرها / ایجاد بازارچه مرزی / محکومیت ارائه پیش‌نویس قطعنامه شورای حکام اژانس هسته‌ای / مخالفت با برداشت از صندوق توسعه ارزی توسط دولت برای خرید بنزین / درخواست از وزارت کشور برای تبدیل شدن بخش به شهرستان / درخواست راه‌اندازی دانشگاه آزاد اسلامی / درخواست بخشودگی وام کشاورزان / درخواست از آموزش و پرورش برای ایجاد کارخانه‌ها و کارگاه‌های زودبازده / جایگزینی یکی از فرزندان فرهنگیان بازنشسته به‌جای آنان / احداث مرکز تربیت معلم / ایجاد سیلوی ۵۰ هزار تنی / تبدیل درمانگاه به بیمارستان / ایجاد	تکرار و افزایش دال‌های یادشده در دوره چهارم	عدم تغییر دال‌های مرکزی در دور چهارم و افزایش آن‌ها در دور هفتم

		<p>کارخانه شیشه‌سازی/ اعتراض به عدم برخورداری مردم منطقه از امکانات عادلانه/ درخواست کمک بلاعوض از دولت/ استفاده از نیروهای بومی و دلسوز/ انتقاد از تشریفات و بی‌عدالتی/ توجه به راه‌ها و جاده‌های منطقه/ تأمین گاز لوله‌کشی/ تأمین کود برای کشاورزان/ تکمیل پروژه آبرسانی/ درخواست از دولت برای احداث کارخانه در منطقه/ درخواست از وزیر نیرو توجه به منطقه/ درخواست از وزیر بهداشت برای ایجاد درمانگاه و بیمارستان/ درخواست از وزیر راه برای آسفالت ۱۰۰۰ کیلومتر راه خاکی/ درخواست از دفتر مناطق محروم ریاست‌جمهوری برای رفع محرومیت ۶۵ روستای ستاره‌دار (کددار)/ درخواست گازدار کردن روستاهای منطقه</p>	
<p>تکرار دمیدن بر افزایش مطالبات منطقه‌ای و قوم‌گرایی و منطقه‌گرایی</p>	<p>مشابهت درخواست‌ها در دور دهم و تکرار شدن دل‌های شناور رفع مشکلات منطقه/ خدمت به موکلان/ رفع بی‌عدالتی و...</p>	<p>نارسایی‌های اقتصادی/ مدیریت ناکارآمد/ کمبود آب در منطقه و بی‌عدالتی در بهره‌برداری از منابع آب/ درخواست از وزیر نیرو و کشاورزی برای کمک به منطقه/ درخواست رسیدگی به پرداخت حقوق پزشکان در حوزه‌های نمایندگان سخنران/ گله از مسئولان کشور به دلیل محرومیت‌های موجود در حوزه انتخابیه/ انتقاد از مسئولان به سبب انتقال آب از سرشاخه‌های رودهای استان و بی‌تدبیری آنان/ طرح سؤال در مورد علت بیکاری در حوزه انتخابیه از مسئولان/ جلوگیری از به‌کارگیری نیروهای غیربومی توسط مسئولان/ دلیل سکوت رئیس‌جمهور در مقابل مشکلات استان/ خرابی جاده شهرستان/ انتقاد از وزیر نفت و نیرو به دلیل بی‌توجهی به مشکلات گاز و برق‌رسانی حوزه انتخابیه/ درخواست نام‌گذاری ۱۷ خرداد به نام روز مبارزه ملی با تروریسم و برخورد با افرادی که به دنبال دوقطبی کردن جامعه هستند.</p>	<p>دهم</p>

۲-۲-۶. حوزه‌های انتخابیه متوسط

از مجموع ۲۱۶ گزاره بیان‌شده در نطق نمایندگان دوره‌های مورد بررسی، تعداد ۲۵ گزاره توسط نمایندگان شهرستان‌ها و حوزه‌های انتخابیه کوچک بیان شده است که با توجه به بررسی انجام‌شده و دریافت دل‌های مرکزی، بیشتر به طرح و بیان مسائل و مشکلات حوزه‌های انتخابیه پرداخته‌اند (به دلیل مشابهت در جدول شماره ۲).

۳-۲-۶. حوزه‌های انتخابیه بزرگ

از تعداد ۲۱۶ گزاره برگرفته‌شده از سخنرانی‌های پیش از دستور بیان‌شده در جلسه‌های مورد بررسی از دوره‌های چهارم، هفتم، و دهم، ۶۷ گزاره از سوی نمایندگان شهرهای بزرگ که اغلب از مراکز استان‌ها بوده‌اند، بیشتر به مسائل و مشکلات آستانه‌ها و در مواردی به مسائل روز و کشور اختصاص داشته‌اند (جدول شماره ۳).

جدول شماره (۳). مهم‌ترین گزاره‌ها و دال‌های مرکزی نطق نمایندگان شهرستان‌های متوسط و بزرگ دور

هفتم مجلس شورای اسلامی در سال اول نمایندگی

دوره نمایندگی	گزاره‌ها و دغدغه‌های عمده بیان شده توسط نمایندگان	دال شناور	دال مرکزی
چهارم	محکومیت هتک حرمت نجف اشرف / رفع نشدن مشکلات مردم / درخواست رفع مشکل تورم، گرانی، اشتغال و بی‌بندوباری / درخواست حفر چاه از وزارت نیرو / به‌کار گماردن نیروهای ارزشی / تقدیر و تشکر از مردم به دلیل اعتماد و رأی / علت تقابل نظام جهانی با انقلاب / توجه به توسعه مبتنی بر داشته‌های داخلی / تکیه بر مردم و استعداد های آنان /	کمک به موکلان / خدمت به حوزه انتخابیه / مقابله با دشمن خارجی	افزایش مطالبات از دولت با لحاظ پهنه بیشتر و فراگیری بیشتر از حوزه انتخابیه / دیدن کالبد استان و کشور / حقوق و منافع ملی / اعمال نقش نظارتی مجلس
هفتم	تشکر از مردم به دلیل اعتمادشان / بیان تهدیدهای موجود در اطراف و داخل کشور / تذکر به طرف‌های خارجی مذاکرات هسته‌ای / پیچیده شدن موضوع هسته‌ای / بیکاری گسترده / عمق یافتن مطالبات قومی و لزوم رسیدگی به آن‌ها / توصیه به رئیس‌جمهور بعدی در این مورد که تهدیدها را به فرصت تبدیل کند / عدم پرداخت مطالبات کشاورزان / کمبود سیلو و انبار / راه‌اندازی کارخانه قند / تغییر فرمانداران و بخشداران / رفع اختلاف درآمد بین ثروتمندان و فقرا / درخواست شهرستان شدن بخش / درخواست احداث چند کارخانه	کم‌وبیش دال‌های شناور دور چهارم تکرار شده‌اند	توجه به منافع ملی / نقش نظارتی مجلس / توسعه گستره بیان مطالبات فزاینده در پهنه استان و کشور
دهم	پرداختن به اشتغال و رفع بیکاری / پرهیز از طرح مباحث اختلاف‌انگیز / عدم سیاه‌نمایی و بزرگ‌نمایی در برجام / بیکاری جوانان / اقتصاد بیمار و لزوم چاره‌جویی / توجه به اقتصاد مقاومتی / نفی ربا از سیستم مالی و پولی کشور	توجه به خدمت به موکلان در پهنه و گستره بیشتر از نمایندگان شهرستان‌های کوچک / توجه به مسائل کلان	کاهش توقعات فزاینده / کاهش منطقه‌گرایی و قوم‌گرایی

۴-۲-۶. حوزه‌های انتخابیه کلان شهرها

سهم کلان‌شهرها از ۲۱۶ گزاره بیان شده در صحن مجلس در دوره‌های مورد بررسی تنها ۳۳ گزاره بوده است که در جدول شماره (۴) مطرح شده و دال مرکزی هریک از این گزاره‌ها در تناظر با آن ارائه شده است. اگرچه در بیان گزاره‌ها به خدمت به موکلان و حوزه انتخابیه نیز پرداخته شده است، اما درصد آن نسبت به حوزه‌های انتخابیه در شهرستان‌های کوچک و متوسط بسیار کمتر بوده و قابل مقایسه نیست. مسائل کلان و ملی، هسته اصلی نطق این نمایندگان را به خود اختصاص داده است.

قانون‌گرایی، رفاه و تأمین اجتماعی، مقابله با دشمن خارجی، شفافیت امور، برنامه‌محوری، تعدیل مطالبات، و حقوق شهروندی از جمله مهم‌ترین دال‌های مرکزی و دغدغه‌های نمایندگان کلان‌شهرها بوده‌اند (جدول شماره ۴).

جدول شماره (۴). مهم‌ترین گزاره‌ها و دال‌های مرکزی بیان‌شده در مجلس چهارم، هفتم، و دهم در سال

نخست توسط نمایندگان کلان‌شهرها

دوره نمایندگی	مهم‌ترین دغدغه‌ها و گزاره‌ها	دال شناور	دال مرکزی
مجلس چهارم	دفاع از مردم بوسنی و هرزگوین/ به‌کارگیری نیروهای توانمند و کارآمد در دولت/ تنظیم سیاست‌های اقتصادی در راستای کمک به مستضعفان و محرومان/ شفاف‌سازی مالی/ درخواست از صداوسیما برای پخش حرکت بسیجیان/ توجه به فرمان‌ها و راهبردهای رهبری/ رفع محرومیت با اهتمام بیشتر به اجرای برنامه توسعه/ درخواست رسیدگی به یکی از استان‌های سیل‌زده	توجه به بعد سیاست دفاع از مظلوم در نظام جمهوری اسلامی/ نگاه گسترده‌تر به کل کشور	قانون‌گرایی/ رفاه و تأمین اجتماعی/ مقابله با دشمن خارجی/ شفافیت امور
مجلس هفتم	ایراز نگرانی از توافق‌نامه ایران و سه کشور اروپایی در مورد برنامه هسته‌ای/ درخواست رفع محرومیت از مناطق و استان‌ها با اجرای پروژه‌های برنامه پنجم توسعه/ فقدان قابلیت اجرایی توافقات هسته‌ای به دلیل حضور نداشتن آمریکا در مذاکرات/ برشمردن خدمات دولت‌های گذشته/ گله از آسیب‌های اجتماعی در کلان‌شهرها/ درخواست نگاه سیستمی و پرهیز از یکجانبه‌گرایی در اداره کشور/ اصلاح قوانین و برنامه توسعه در صورت درخواست دولت	هوشیاری سیاست‌گذاران خارجی کشور در حفظ منافع کشور/ برجسته کردن نقش نظارتی نمایندگان/ توجه به وظیفه نمایندگی	مقابله با دشمن خارجی/ حقوق و منافع ملی/ رعایت استقلال قوا/ رفاه و تأمین اجتماعی/ برنامه‌محوری/ تعدیل مطالبات
مجلس دهم	اعتراض به دادن فهرست از طرف دادگستری به هیئت نظارت برای رد صلاحیت داوطلبان انتخابات شوراهای شهر و روستا/ ندادن قول غیرعملی به مردم به‌ویژه در مورد چندبرابر کردن یارانه‌ها/ تأکید بر فرهنگ کار و جلوگیری از تطمیع و یارانه‌بگیری/ درخواست از بانک مرکزی برای رفع مشکلات مؤسسات مالی ثامن و آرمان/ مواظبت از انضباط مالی و اقتصادی کشور/ نقد بر طرح تحول اقتصادی دولت نهم و شک ناشی از حذف یک‌باره یارانه سوخت/ ناسازگاری یارانه نقدی با اقتصاد مقاومتی	یادآوری وظایف نمایندگی در دفاع از حقوق موکلان در تمام پهنه کشور/ تذکر به رعایت تفکیک قوا/ نگاه برنامه‌ای به اداره کشور توسط قوه مجریه	حقوق شهروندی/ تقویت فرهنگ کار/ تقویت هویت ملی/ تقویت عزت نفس/ تعدیل مطالبات

۳-۶. تحلیل کیفی و محتوایی سخنرانی‌های پیش از دستور

در تحلیل کیفی مطالب و گزاره‌های به‌کاررفته در نطق نمایندگان یادشده سعی کرده‌ایم از محتوی آشکار گزاره به محتوای نهفته آن ورود کنیم و با کمک دال‌های

مرکزی به تحلیل سخنرانی بپردازیم. پس از برگرفتن و استخراج مهم‌ترین گزاره‌های بیان‌شده در نطق نمایندگان دوره‌های پیش‌گفته، روی هم‌رفته ۲۱۶ گزاره به دست آمد که از این تعداد، ۹۱ گزاره متعلق به حوزه‌های انتخابیه کوچک، ۲۵ گزاره متعلق به حوزه‌های متوسط، ۶۷ گزاره سهم حوزه‌های بزرگ، و ۳۳ گزاره سهم کلان‌شهرها بوده است. درصد و سهم گزاره‌ها در نطق پیش از دستور نمایندگان حوزه‌ها بررسی شده است (نمودار شماره ۱).

نمودار شماره (۱). درصد گزاره‌های بیان‌شده در نطق نمایندگان دوره‌های چهارم، هفتم، و دهم مجلس

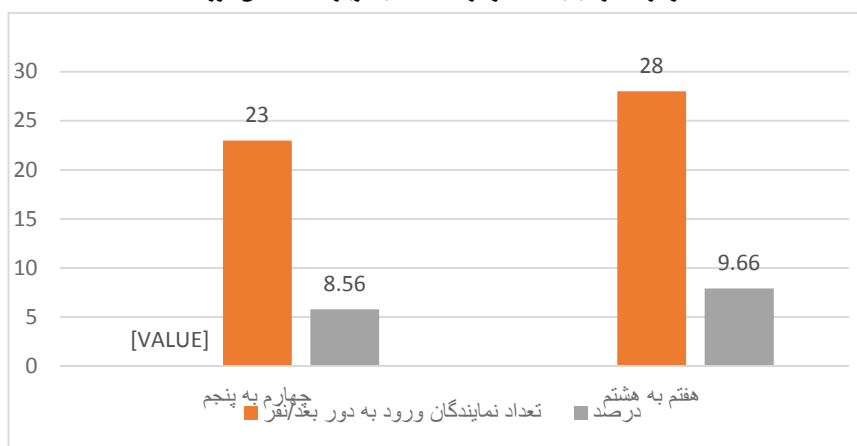


روند حاکم بر بیان گزاره‌ها حاکی از این است که بیشترین گزاره‌ها توسط نمایندگان شهرستان‌ها و حوزه‌های کوچک مطرح شده‌اند. نکته قابل‌توجه این است که برحسب تصادف، نمایندگان دور چهارم و دور هفتم دو حوزه انتخابیه کوچک، یک نفر بوده و گزاره‌های بیان‌شده در دور هفتم، ۳۴ مورد بوده است که نسبت به دور چهارم (۳۳ مورد) ۱ مورد افزایش داشته است. بیش از ۶۵ درصد مطالبات و گزاره‌های درخواستی در دور هفتم، همان خواسته‌هایی هستند که در دوره چهارم بیان شده‌اند. در تطبیق و تناظر گزاره‌های بیان‌شده توسط نمایندگان با دال‌های مرکزی، به جز تقابل با دشمن خارجی که بین تمام گزاره‌ها در تمام دوره‌های بررسی شده مشترک است، بقیه گزاره‌ها، هرچند نمایندگان شهرهای کوچک قصد تضعیف انسجام اجتماعی را نداشته‌اند، اما نتیجه کارشان به تدریج به همین مسئله ختم شده است. اگرچه معنای نداشتن جاده، آب، برق، خانه بهداشت، مدرسه،

درخواست افزایش افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی و بهزیستی، احداث سد، کود شیمیایی برای کشاورزان، کشیدن خط آهن، احداث کارخانه، کشیدن اتوبان، به زیر کشت آبی بردن زمین‌های منطقه و صدها گزاره از این دست ممکن است به‌ظاهر معنی رفع مشکلات منطقه و خدمت به موکلان را برساند، اما در نهان و بطن خود موجب افزایش مطالبات، تضعیف فرهنگ کار، تقدیس فقر، تضعیف عزت نفس، قوم‌سالاری، رفاقت‌محوری به‌جای برنامه‌محوری و جوشش درخواست‌های مداوم را در پی خواهد داشت.

در بخش دیگری از گزاره‌های بیان‌شده در سخنرانی‌های نمایندگان ازجمله به‌کارگیری نیروهای غیربومی، آزمایشگاه شدن منطقه برای نیروهای تازه‌کار و غیربومی، انتقال امکانات و سرمایه‌های استان به استان‌های دیگر، بی‌توجهی به منطقه، فروش آب به کشورهای همسایه و تشنگی مردم استان، که ممکن است به‌ظاهر، بیان، ارزیابی، و مقایسه شاخص‌های توسعه مناطق با هم و تلاش برای جلب توجه مسئولان در راستای رسیدگی بیشتر به مناطق باشد، اما رفته‌رفته موجب تضعیف انسجام و همبستگی ملی شده و چنانچه این روند بدون اصلاح برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و کلان و بدون توجه به آمایش سرزمینی و منطقه‌ای - که در اصل یکی از مأموریت‌های اصلی و ملی مجلس در تدوین سیاست‌گذاری‌ها و نظارت بر اجرای آن‌ها است - ادامه یابد و مجلس بخواهد دانسته یا ندانسته و بدون آگاهی از ظرفیت و توان کشور، به ایجاد توقعات فزاینده دامن بزند، آرام آرام بر اثر انباشت مطالبات فزاینده، نخستین پیامد زود هنگام و سریع این وضعیت، دامنگیر خود این نمایندگان خواهد شد و آن این است که به‌رغم تلاش شبانه‌روزی و پیگیری‌های مستمر در دوران نمایندگی، قادر به تحقق این‌همه خواسته نخواهند بود و از این‌رو، موفق به ورود دوباره به مجلس در دور بعد نخواهند شد؛ برای مثال، در همین حوزه‌های کوچک، از ده دوره مجلس شورای اسلامی، تنها یک نفر توانسته است ۲ دور وارد مجلس شود، آن‌هم نه به‌صورت مستمر و پی‌درپی، بلکه به‌صورت متناوب، و در ۸ دوره دیگر، افراد متفاوتی وارد مجلس شده‌اند که این خود، موجب پایین آمدن کارآمدی مجلس می‌شود. در برآورد انجام‌شده درباره ورود دوباره نمایندگان به دور بعدی مجلس، مقایسه مجالس دوره‌های چهارم به پنجم و هفتم به هشتم در نمودار شماره ۲، بیانگر ورود کمتر از ۱۰ درصد نمایندگان به دوره‌های یادشده است.

نمودار شماره (۲). تعداد و درصد انتخاب دوباره نمایندگان دوره‌ها



روند مطالبات فزاینده از شهرهای کوچک به متوسط، بزرگ، و کلان‌شهرها، رقیق‌تر و متعادل‌تر شده و از مجموع ۹۲ گزاره مربوط به شهرهای متوسط و بزرگ، ۴۲ گزاره مربوط به طرح مطالبات از دولت است، با این تفاوت که نیازهای کل پهنه استان را طرح می‌کنند و اگرچه شاید تا حدودی ویژگی‌های گزاره‌های شهرستان‌های کوچک را داشته باشد و در مواردی به توقعات فزاینده دامن بزند، اما دارای تفاوت‌هایی نیز هستند؛ تفاوت‌هایی مانند دیدن کالبد استان به‌عنوان یک پیکره به‌هم‌پیوسته و درعین‌حال، وابسته به پیکره کلی کشور. علاوه‌براین، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، کمتر از ۵۰ درصد از این گزاره‌ها ناظر بر خدمت به موکلان است و بقیه بر مقابله با دشمن خارجی، حقوق و منافع ملی، اعمال نظارت مجلس و قانون‌گذاری، که از وظایف اصلی نمایندگان هستند، تمرکز دارند.

هرچند در گزاره‌های عنوان‌شده در سخنرانی‌های نمایندگان کلان‌شهرها، هنوز در مواردی طرح مطالباتی در راستای خدمت به موکلان مشاهده می‌شود، اما از درصد بالایی برخوردار نیست و بیشتر گزاره‌ها معطوف به دغدغه‌های کلان و ملی هستند. با وجود اینکه همان‌گونه که پیشتر در مقایسه کمی نطق‌ها اشاره شد، تعداد و نسبت سخنرانی‌های کلان‌شهرها به حوزه‌های کوچک ۲/۶۶ به ۱ سخنرانی بود، اما طرح مطالبات، روند معکوس دارد، یعنی در برابر طرح ۳۳ گزاره از سوی نمایندگان کلان‌شهرها، حوزه‌های کوچک ۹۱ مطالبه و گزاره طرح کرده‌اند و این به‌معنای تقریباً ۷۰ درصد در مقابل ۳۰ درصد. اغلب گزاره‌های طرح‌شده توسط

نمایندگان کلان‌شهرها ناظر به نگاه برنامه‌ای، اجرای برنامه‌های توسعه، قانون‌گرایی، تقویت هویت ملی، تعدیل مطالبات، سیاست‌گذاری و برنامه‌محوری، مقابله با بی‌انضباطی پولی و مالی، حقوق و منافع ملی، حقوق شهروندی، مقابله با دشمن خارجی، محیط زیست، رفاه و تأمین اجتماعی، تقویت فرهنگ کار، جناح‌های داخلی و خدمت به موکلان است. تمام دال‌های مرکزی بالا سبب ایجاد همبستگی اجتماعی، تقویت هویت ملی، و سرانجام، پایداری نظام سیاسی خواهد شد و چنانچه کلیت مجلس در این مسیر قرار گیرد، میزان کارآمدی مجلس و دولت و حل مسائل داخلی و خارجی کشور بهبود و سرعت خواهد یافت.

با توجه به پیامدهای بالا، لازم است تمهیدی اندیشه‌شود تا نظام فعلی انتخابات تغییر کند و تا حد امکان تا زمان تشکیل احزاب قوی، به نظام انتخابات استانی-شهرستانی تغییر شکل بدهد و در آن به‌جای اینکه حوزه انتخابیه شهرستان ملاک و مبنای انتخاب نمایندگان باشد، گزینش نمایندگان به گستره استان و شهرستان تغییر یابد؛ به این شکل که در قالب یک نظام تلفیقی و با اکثریت نسبی و یک‌مرحله‌ای از طریق تلفیق رأی شهرستان و استان، نتیجه انتخابات مشخص شود. در این نظام پیشنهادی هر شهرستان، نماینده خود را خواهد داشت، با این مزیت که این نماینده علاوه بر داشتن رأی شهرستان، از پشتوانه رأی استان نیز برخوردار خواهد بود. نصاب رأی در نظام انتخابات استانی-شهرستانی پیشنهادی، داشتن دست‌کم ۱۵ تا ۲۰ درصد رأی شهرستان و داشتن اکثریت نسبی با احتساب رأی استان نسبت به داوطلبان همان شهرستان است. در این شرایط، نمایندگان برگزیده علاوه بر جایگاه شهرستانی که موجب جلب مشارکت هوشمندانه شهروندان خواهد شد، از جایگاه و تراز بالاتری که محصول رأی مردم استان است نیز برخوردار خواهند شد و طرح مسائل و مطالبات به سمت و سوی مسائل استانی و ملی ارتقا خواهد یافت. با در نظر گرفتن حوزه‌های تک‌کرسی که بیشتر از شهرستان‌های کوچک هستند، ترکیب و تعداد فعلی نمایندگان حوزه‌های انتخابیه، حاکی از تسلط کمی نمایندگان شهرستان‌های کوچک و متوسط بر مجلس شورای اسلامی است (جدول شماره ۵).

جدول شماره (۵). تعداد و درصد نمایندگان مجلس شورای اسلامی به تفکیک درجه بندی شهرستانها

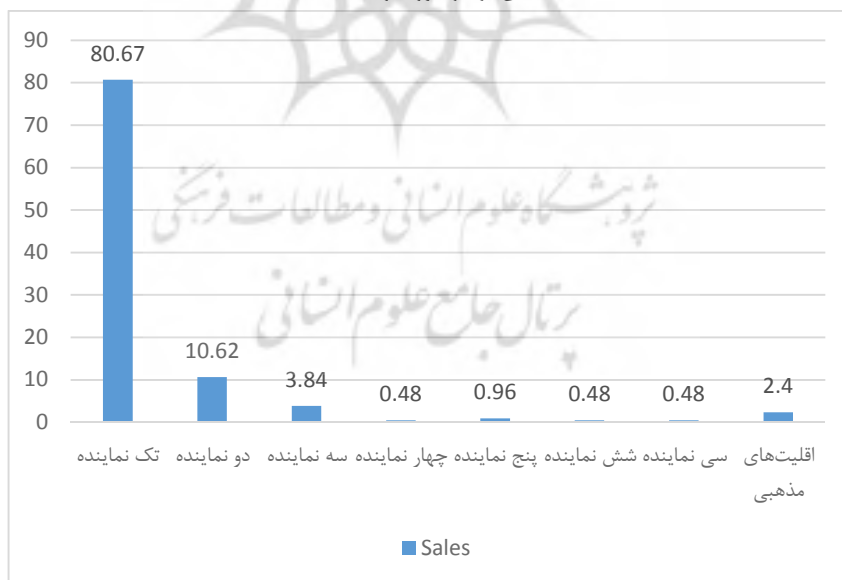
(کوچک، متوسط، بزرگ و کلان شهرها)

ردیف	تعداد حوزه	درصد	تعداد نفر	درصد
۱ نفره (شهرهای کوچک)	۱۶۷	۸۰/۶۸	۱۶۷	۵۷/۵۹
۲ نفره (شهرهای متوسط)	۲۲	۱۰/۶۲	۴۴	۱۵/۱۷
۳ نفره (شهرهای بزرگ و کلان شهرها)	۸	۳/۸۴	۲۴	۸/۲۸
۴ نفره (کلان شهرها)	۱	۰/۴۸	۴	۱/۳۸
۵ نفره کل (کلان شهرها)	۲	۰/۹۶	۱۰	۳/۴۵
۶ نفره (کلان شهرها)	۱	۰/۴۸	۶	۲/۰۷
۳۰ نفره (تهران)	۱	۰/۴۸	۳۰	۱۰/۳۴
اقلیت‌های دینی هر کدام ۱ نماینده	۵	۲/۴	۵	۱/۷۲
جمع	۲۰۷	۱۰۰	۲۹۰	۱۰۰

از مجموع ۲۹۰ نفر نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۲۱۱ نفر متعلق به حوزه‌های انتخابیه کوچک و متوسط هستند که درصد بزرگی از نمایندگان، (۷۲/۷۵ درصد و ۹۱/۲۹ درصد) از حوزه‌های انتخابیه مجلس را به خود اختصاص داده‌اند (نمودار شماره ۳).

نمودار شماره (۳). توزیع مقایسه‌ای حوزه‌های انتخاباتی مصوب برحسب تعداد نمایندگان مجلس شورای

اسلامی در هر حوزه در سال ۱۳۹۴



نتیجه‌گیری

نظام پارلمانی و مجلس یکی از مؤلفه‌های مهم مردم‌سالاری و دموکراسی است که در نظام‌های مردم‌سالار، نقش آن از سایر قوا از جمله قوای اجرایی و قضایی، مهم‌تر و اساسی‌تر است، زیرا قوه مقننه نقش نظارتی و تعدیل‌کننده را در نظام سیاسی به‌عهده دارد و چنانچه هر یک از قوای دیگر در چارچوب وظایف قانونی دچار ضعف، فترت، یا خروج از حیطه وظایف قانونی خود و دچار بدکارکردی شوند، مجلس با اختیارات قانونی از جمله سؤال و استیضاح که در اختیار دارد، وظایف آن‌ها را یادآوری می‌کند و به جایگاه قانونی برمی‌گرداند. در اصل، حکمرانی خوب به داشتن قوه مقننه‌ای کارآمد و مسلط بر اوضاع و احوال کشور است که همواره سایر قوا را نظارت و ارزیابی کند تا نظام سیاسی، انسجام و پیوستگی اجتماعی را با جامعه از دست نداده و ثبات نظام سیاسی دچار تزلزل نشود. در ایران، ۱۱۰ سال از داشتن پارلمان و مجلس می‌گذرد و از انقلاب مشروطیت به این‌سو ۳۴ دوره قانون‌گذاری تشکیل شده است؛ ۲۴ دوره پیش از انقلاب اسلامی و ۱۰ دوره، پس از انقلاب اسلامی. با توجه به عمر طی شده از ۱۰ دوره مجلس شورای اسلامی در ایران با نظام فعلی انتخابات، نپرداختن به مسائل کلان و ملی و ترکیب نمایندگان حاصل و برآمده از این شیوه انتخاباتی، پیش‌بینی می‌شود که طرح مطالبات فزاینده محلی و منطقه‌ای به‌جای مسائل ملی و اساسی کشور که عموماً توسط نمایندگان حوزه‌های انتخابیه کوچک و متوسط مطرح می‌شود و عدم تناسب این مطالبات با آمایش سرزمینی و امکانات و توان کشور، رفته‌رفته زمینه‌های یأس و ناامیدی در کشور فراهم می‌شود و در صورت عدم تغییر نظام فعلی انتخابات به نظام استانی-شهرستانی، نظام کنونی انتخابات به‌عنوان یکی از مؤثرترین متغیرها موجب افزایش مطالبات، تضعیف همبستگی اجتماعی، و گسست اجتماعی و سیاسی در کشور خواهد شد.*

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۲)، *ایران بین دو انقلاب*، تهران: نشر نی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، تهران: نشر قومس.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷)، *سه راهکار برای شایسته‌سالاری در انتخابات*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۳)، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: انتشارات سمت.
- پوراحمد، احمد؛ وفایی، ابوذر (۱۳۹۳)، «مقایسه تطبیقی ساختار شهر اسلامی با شهر غربی»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، زمستان، شماره ۱۸، صص ۱۲-۵.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده؛ حیدری، حسین (۱۳۹۳)، «فرا تحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران»، *فصلنامه راهبردی اجتماعی فرهنگی*، ۳ (۱۱).
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۰)، *عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران*، تهران: نشر فروزان.
- شجیعی، زهرا (۱۳۸۳)، *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلام*، جلد چهارم، تهران: انتشارات سخن.
- قاضی، سید ابوالفضل (۱۳۹۳)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۸)، *قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی*، تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.
- نبی‌لو، حسین (۱۳۷۹)، *گزینش نظام‌های انتخاباتی*، تهران: مجلس و پژوهش سال دانشگاه شهید بهشتی.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۴)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- هاشمی، سیدمحمد؛ مختاری، مهدی (۱۳۷۹)، «سیر تحول نظام انتخاباتی پارلمانی در ایران»، *ویژه‌نامه مجله تحقیقات حقوقی*.

Andrew, Reynolds (2002), *La Conception des Systemes Electoraux*, Departement des Publication, International IDEA, SE 103 34 Stockholm, Sued.

Baker, G. (2006), "Revising The Concept of Representation", *Parliamentary*

Affairs, 59 (1): 155.

Burrell, G. (2005), *Sociology Paradigm and Organizational Analysis*, England: Ashgate Publishing Limited.

Calhaun, C. (2007), *Classical Sociological Theory*, London: Blackwell Publishing.

Cox, F.D, Orsborn C.R. And Siks T.D. (2014), *Religion, Peacbuilding, And Social Cohesion in Conflict-Affected Countries*, US: University of Denver.

Gong, L. (2007), "Ethnic Identity and Self-Esteem", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 31.

Hobbes, T. (2002), *Leviathan*, Perterborough: Broadview Press.

Jacobson, J. (1998), *Islam in Transition*, London: Routeledge.

Knutsen, C.H. (2014) *Income Growth and Revolution*, Norway: University of Oslo.

Michael, D. and McDonald and Budge, Ian (2006), *Election, Parties, Democracy*, New York: Oxford University Press.

Morris, C. (2012), *Parliamentary Election, Representation and Law*, UK: Hart Publishing Ltd.

Parsons, T. (1961), *An Outline on the Social System*, New York: Simon & Schuster, The Free Press.

Pitkin, H.F. (1967), *The Concept of Representation*, Berkeley: University of California Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی